

دور دنیا

پلیس مجازی



حتما شما هم حین رانندگی در جاده‌های کشور، به ماشین‌های پلیسی برخورد دارید که از دور، واقعی به نظر می‌رسند و باعث می‌شوند شما عرق به سرعت سنج خود را روی عدد مجاز تنظیم کنید، اما وقتی به ماشین پلیس نزدیک می‌شوید، می‌فهمید که ر یک خودروید و خودروی پلیس، ماکنی بیش نبوده، اما کار خودش را کرده و سرعت شما را از حالت غیر مجاز، به حالت مجاز تبدیل کرده است.

حالا مدتی است پلیس کره جنوبی از همین ترفند استفاده کرده و برای جلوگیری از جرائم بیشتر در مسئول، در برخی اماکن شلوغ یک پلیس مجازی قرار داده؛ البته این پلیس ماکن نیست و برای خلق آن از فناوری هولوگرافی استفاده شده است. در این فناوری با کمک خواص نور، پلیسی به اندازه انسان و در شکل و شمایل یک پلیس واقعی آن هم به شکل سه بعدی به تصویر کشیده و باعث می‌شود خلافکارها از دور تصور کنند در آن مکان پلیس حضور دارد و ترجیح می‌دهند راه خود را کج کنند. به گفته آژانس پلیس کلانشهر سئول، از زمانی که این طرح به شکل آزمایشی انجام شده، جرائم در مکان‌های حضور پلیس‌های هولوگرافی، تقریباً ۲۲ درصد کاهش یافته که این نتیجه قابل توجهی محسوب می‌شود.

پلیس معتقد است با اینکه این پلیس مجازی نمی‌تواند مجرمان را دستگیر کند، اما دیدن آن تأثیر پیشگیرانه‌ای بر بی‌نظمی دارد و باعث می‌شود شهروندان از نظر روانی، کنترل بیشتری بر رفتار خود داشته باشند.

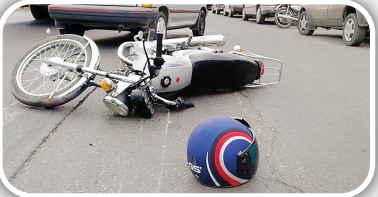
البته این پلیس‌ها به هوش مصنوعی مجهز هستند و نزدیک آنها دوربین‌های مدار بسته کار گذاشته شده تا در صورت وقوع جرم، پلیس واقعی بتواند خودش را به سرعت به صحنه برساند.

حکایت پلاس

موتورها و کلاه‌ها



سید سرور ش طباطبایی پور رابطه کلاه ایمنی و موتورسوارها پند گونه است؛ برخی اصلا به کلاه ایمنی اعتقادی ندارند و آن را در درمی‌دانند و معتقدند موهایشان را هاشول پاشول می‌کند و به تپیشان گند می‌زند و خلاصه آنها را از ریخت می‌اندازد که وامصیبتا اگر حادثه‌ای رخ دهد. برخی هم همان ذهنیت گروه قبل را دارند، اما از ترس همسر جان و پلیس جان و دیگر جان‌های پیدا و پنهان، به کلاه ایمنی به‌عنوان یک وسیله تزئینی نگاه می‌کنند و آن را به‌جای اینکه روی سرشان بگذارند روی دستشان یا دسته موتورشان می‌گذارند و از آن به خوبی مراقبت می‌کنند و باز وامصیبتا اگر حادثه‌ای رخ دهد، گروهی، اما کلاه ایمنی روی سرشان جا دارد و آن را حافظ جان‌شان می‌دانند و معتقدند بی کلاه هرگز! اما همین گروه هم چند دسته‌اند؛ برخی کلاه روی سرشان است، اما نصفه، یعنی هم دلشان می‌خواهد موهایشان باد بخورد و تپیشان به هم نخورد و هم اگر خدای ناکرده اتفاق ناگسوری رخ داد حادثه به حرمت کلاه نصف‌ونیمه‌ای که روی سرشان است به آنها رحم کند و موهایشان را داشته باشد! غافل از اینکه چون کلاه ایمنی این گروه چفت و بست درستی ندارد، حین حادثه و درست سر بزنگاه، نخستین عضوی است که از کله مبارک را کج حادثه‌دیده به سرعت متواری می‌شود و خلاصه باز هم وامصیبتا. تنها گروهی که به سخنان حکیمانه عقل سلیم توجه می‌کنند و کلاه ایمنی استاندارد را درست و حسابی به سر می‌گذارند، می‌توانند امیدوار باشند اگر خدای ناکرده حادثه‌ای رخ داد، وامصیبتایی رخ ندهد و همین کلاه گرم و مو برهم‌زن و تیپ خراب‌کن به‌دانشان برسد و جان و شرفشان را نجات دهد. البته که امیدواریم هیچ وامصیبتایی برای موتورسواران رخ ندهد؛ اما خوشا به سعادت گروه آخر که گذاشتن کلاه ایمنی را شرط عقل می‌دانند و آن را با احترام، روی سرشان می‌گذارند.



شاهرگ اصلی فرهنگ مکتوب پایتخت

وقتی نام کتاب در تهران به میان می‌آید، نخستین نشانی، «خیابان انقلاب» است. این راسته قدیمی و همیشه شلوغ، قلب تپنده بازار کتاب ایران است و از کتاب‌های درسی و دانشگاهی گرفته تا نایاب‌ترین عناوین ادبی و تاریخی، همه‌چیز اینجا یافت می‌شود. انقلاب فقط یک خیابان نیست؛ یک خاطره جمعی است؛ پاتوقی برای دانشجویان، روشنفکران و هر کسی که به دنبال گنجی کاغذی می‌گردد. قدم‌زدن در پیاده‌روهای آن و سرک کشیدن به پاساژها و کتاب‌فروشی‌های قدیمی و جدیدش خود یک ماجراجویی است. کافه‌های متعدد این خیابان نیز بخش جدانشدنی از هویت آن هستند که مکانی برای استراحت و گپ‌وگفت‌های فرهنگی پس از یک خرید دلچسب فراهم می‌کنند.

پاتوقی شیک و روشنفکرانه

اگر به دنبال تجربه‌ای آرام‌تر، شیک‌تر و متمركزتر بر ادبیات و هنر هستید، «خیابان کریمخان زند» مقصد شماست. این راسته با کتاب‌فروشی‌های مدرن و خوش سلیقه به پاتوقی برای دوستداران ادبیات داستانی، شعر و علوم انسانی تبدیل شده است. و تیرین‌های جذاب، فضای داخلی دلنشین و تمرکز بر کتاب‌های باکیفیت، حس و حال متفاوتی نسبت به شلوغی انقلاب دارد. کریمخان جایی است که می‌توانید با آرامش در میان قفسه‌ها قدم بزنید، با فروشندگان کتاب درباره نویسندگان محبوبتان صحبت کنید و در نهایت، کتاب در دست در یکی از کافه‌های دنج همان حوالی نخستین صفحاتش را بخوانید.

تجربه مدرن فرهنگ و تفریح

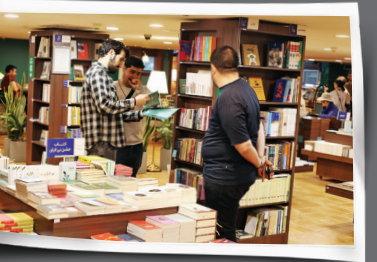
«باغ کتاب تهران» تعریف کتاب‌فروشی را از یک فضای محدود به یک مجموعه فرهنگی - تفریحی عظیم تغییر داده است. این مجموعه که به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین کتاب‌فروشی‌های جهان شناخته می‌شود، تنها مکانی برای خرید کتاب نیست. اینجا یک مقصد کامل برای خانواده‌هاست. در کنار قفسه‌های بی‌پایان کتاب برای بزرگسالان و کودکان می‌توانید از پردیس سینمایی مجهز، باغ علم نوجوان و کافه‌ها و رستوران‌های متعدد آن نیز استفاده کنید. فضای باز و معماری مدرن باغ کتاب، آن را به مکانی ایده‌آل برای گذراندن یک روز کامل فرهنگی و تفریحی تبدیل کرده است که در آن لذت کتاب با سرگرمی‌های دیگر در هم می‌آمیزد.

شکوه معماری در ستایش کتاب

در قلب یکی از بزرگ‌ترین مراکز خرید جهان، یک گنجینه باشکوه قرار دارد: «کتابخانه جندی‌شاپور ایران مال». اینجا فراتر از یک کتاب‌فروشی یا کتابخانه معمولی، یک اثر هنری و معماری خیره‌کننده است که با الهام از کتابخانه‌های کلاسیک جهان و با چوبکاری‌های بی‌نظیر، فضای آرام و روحانی برای مطالعه و گشت‌وگذار دارد. بازدید از این کتابخانه تجربه‌ای منحصر به فرد است که در آن، شکوه معماری با عظمت دنیای کتاب پیوند می‌خورد. این مکان ثابت می‌کند که کتاب می‌تواند حتی در مدرن‌ترین و تجاری‌ترین فضاها نیز جایگاه ویژه و محترم خود را داشته باشد.

جرع‌های آرامش در میان کلمات

«کافه کتاب‌ها»، این پاتوق‌های فرهنگی دنج که در سال‌های اخیر در گوشه‌وکنار تهران گسترش یافته‌اند، ترکیبی دلنشین از لذت مطالعه و معاشرت را به شما هدیه می‌دهند. از کافه‌های قدیمی و نوستالژیک در حوالی خیابان انقلاب و کریم‌خان گرفته تا فضاهای مدرن و شیک در شمال و غرب تهران، هر یک با معماری و منوی خاص خود میزبان کتاب‌دوستان‌اند. این مکان‌ها فقط جایی برای خرید کتاب نیستند؛ بلکه به فضایی برای برگزاری جلسات نقد، رونمایی کتاب، گپ‌وگفت‌های فرهنگی و حتی کار و مطالعه در سکوت تبدیل شده‌اند و ثابت می‌کنند که کتاب همچنان می‌تواند محور گرم‌ترین محافل شهری باشد.



گشت و گذار

قلعه تنهایی
در محاصره بزرگراه

در حومه شمال غربی شانگهای، یک جزیره کوچک و عجیب وجود دارد. اما این جزیره نه از شن و ماسه که از آجر و بتن ساخته شده و اقیانوسی که آن را دربر گرفته، رودخانه‌ای بی‌پایان از آسفالت و خودروهای پرشتاب است. این منظره آخ‌الزمانی که گویی از یک فیلم علمی - تخیلی بیرون آمده، داستان واقعی مرئی به نام هوانگ پینگ است که خانه‌اش اکنون در میان یک بزرگراه تازه تأسیس به دام افتاده است.

این بنای تنها، نمونه‌ای افراطی از پدیده‌ای است که در چین به «خانه‌های میخکوب» شهرت دارد. این اصطلاح برای املاکی به کار می‌رود که مالکانشان، در برابر پروژه‌های عظیم عمرانی دولت، از فروش سر باز می‌زنند و مانند میخی که از تخته بیرون کشیده نمی‌شود، سر جای خود باقی می‌مانند. آقای پینگ نیز با رد پیشنهاد دولت، نه برای حفظ خاطرات که به امید دستیابی به یک معامله پرسودتر، مقاومت کرد. پیشنهاد دولت چین شامل ۳ ملک جایگزین و مبلغی معادل ۲۲۲ هزار دلار (حدود ۱.۶ میلیون یوان) بود؛ پیشنهادی سخاوتمندانه که او برای دستیابی به مبلغی بیشتر رد کرد. اما توسعه‌دهندگان به جای چانه‌زنی بیشتر، تصمیم گرفتند بزرگراه را به‌معنای واقعی کلمه، دور خانه او بسازند.

امروز، آقای پینگ در قلعه تنهایی خود زندگی می‌کند، اما به جای آرامش، سیمفونی بی‌پایان غرش موتورها و بوق خودروها را شبانه‌روز تحمل می‌کند. خانه‌ای که قرار بود اهرم فشاری برای یک ثروت بادآورده باشد، حالا به یک زندان شخصی تبدیل شده است؛ یادبودی از یک قمار بزرگ که نتیجه‌ای جز یک شکست پر سر و صدا نداشت.

عکس خانه

فرش زمردین زیر آسمان ابری



در این تصویر، نمایی جذاب از هوای دلچسب این روزهای استان گیلان در مردادماه ۱۴۰۴ را مشاهده می‌کنید که در شبکه‌های اجتماعی پر بازدید شده است. این قاب هوایی، تصویری بی‌بدیل از سخاوت طبیعت در شمال ایران است؛ جایی که شالیزارها چون پازلی هنرمندانه در کنار هم چیده شده‌اند و فرشی زمردین را تا دور دست‌ها گسترانیده‌اند.

از این زاویه، می‌توان به خوبی موزاییک رنگارنگ مزارع را دید؛ ترکیبی از سبزی‌روشن و تیره که نشان از طراوت و سرزندگی دارد و لکه‌های طلایی که خبر از نزدیک شدن فصل برداشت و بهار نشستن خوشه‌های برنج می‌دهند. در میان این دشت وسیع، آبگیری کوچک چون نگینی آرام گرفته و رگه‌هایی از درختان انبوه، مسیر رودخانه‌ها و مزارع را مشخص می‌کنند. خانه‌های پراکنده نیز همچون نقطه‌هایی سفید در این تابلوی نقاشی به چشم می‌آیند. آسمان ابری و هوای مطبوع مردادماه در گیلان، تضادی دلنشین با گرمای تابستان در دیگر نقاط کشور دارد و این تصویر، دعوتی است به تماشای آرامش، برکت و حیاتی که در رگ‌های این سرزمین سرسبز جریان دارد.